

## عنوان مقاله:

تحلیل ساختار تخیلی داستان «تشنه و دیوار» مثنوی براساس ساختارهای نظام تخیل در آرای ژیلبر دوران

## محل انتشار:

فصلنامه شعرپژوهی (بوستان ادب)، دوره 8، شماره 3 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

## نویسندگان:

سارا پورشعبان - دانشگاه شهرکرد

احمد امین - دانشگاه شهرکرد

## خلاصه مقاله:

بررسی ماهیت خیال و ساختار تخیلی ای که شاعران و هنرمندان بر مبنای آن تفکر می کنند، در مباحث نقد ادبی و هنری از جایگاه والایی برخوردار است. مبنای بسیاری از رمزگشایی های متنی امروزه بر عهده کاوش-هایی در حوزه تخیل شناسی است. ژیلبر دوران (متولد ۱۹۲۱) تخیل شناس و اسطوره پژوه فرانسوی قرن بیستم، توانست با ابداع روشی علمی، اعتبار حقیقی تخیل را که به مدت دو قرن در غرب انکار می شد، دوباره بدان بازگرداند. این مقاله قصد دارد با تعمق در آرای این اندیشمند به تحلیل ساختارهای تخیلی داستان «کلوخ انداختن تشنه از سر دیوار در جوی آب» در ابتدای دفتر دوم مثنوی، روی آورد. مولوی در این حکایت، صحنه ای را ترسیم می کند که در آن عمل/کنشی (پرتاب سنگ و خشت به آب) تکرار می شود. این صحنه یک تخیل است. همچنین بر طبق قرآینی که به دست خواهیم داد، مشخص می شود که نگاه و اندیشه تخیل-پرداز راوی نسبت به جهان، تحت تاثیر ساختارهای منظومه شبانه تخیل است. این منظومه که مربوط به ساختارهای اسرارآمیز یا آنتی فرازیک و ساختارهای دراماتیکی یا ترکیبی است با ویژگی هایی چون: تکرار، وابستگی فرد به جهان و دیدگاه تعاملی او نسبت به جهان، گرایش به عمل مینیاتورسازی و درک چرخه ای و... مشخص می شود.

## کلمات کلیدی:

مثنوی، داستان، ساختار تخیل، منظومه شبانه، منظومه روزانه

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1459085>

